



RESEARCH ARTICLE

Designing a Forecasting Implementation Model in Social Security Policies in Iran

Saeed Faraji¹, Tayebeh Abbasi^{2*}, Mahdi Babayee Ahari³

1. Ph.D Student of Public Administration, Faculty of Public Administration, Qazvin Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Email: faraji1356@gmail.com

2. Associate Professor of Public Administration, Faculty of Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: t.abbasi@ut.ac.ir

3. Assistant Professor of Public Administration, Faculty of Management, Adiban Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Email: Mb1322ahari@gmail.com

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102505>

Received: 28 February 2025

Accepted: 28 April 2025

ABSTRACT

Designing and validating the model of proactive implementation of social security policies with the aim of identifying the elements of effective implementation and how they relate to the purpose of foresight, forecasting the necessary resources, risk management, having alternative scenarios and preparing to face crises is the need of managers. to achieve their goals, An exploratory mixed research design is used. In the qualitative part, sampling was done in a purposeful way and theoretical saturation was achieved with 12 experts. For the analysis of specialized interviews, the qualitative analysis method of the theme and Maxqda software were implemented and the data obtained from the questionnaires were also analyzed with the method of partial least squares and Smart PLS. The finding showed that factors: management, cultural and legal technology, affect the stakeholders and key players, the platform of proactive implementation of the policies and institutions involved, these factors also affect the monitoring and foresight implementation.

Keywords: Policy, Forecasting Implementation, Implementation, Social Security.

Citation: Faraji,Saeed; Abbasi,Tayebeh; Babayee Ahari, Mahdi (2025). Designing a Forecasting Implementation Model in Social Security Policies in Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (2), 29-47.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102505>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

طراحی مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی در ایران

سعید فرجی^۱، طیبه عباسی^{۲*}، مهدی بابایی اهری^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران
رایانامه: faraji1356@gmail.com

۲. دانشیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
* رایانامه نویسنده مسئول: t.abbasi@ut.ac.ir

۳. استادیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی ادیان، گرمسار، ایران
رایانامه: Mb1322ahari@gmail.com

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102505>

تاریخ دریافت: ۱۰ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده

طراحی و اعتبارسنجی مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی با هدف شناسایی عناصر اجرای مؤثر و نحوه ارتباط آن به منظور آینده‌نگری، پیش‌بینی منابع لازم، مدیریت ریسک، داشتن سناریوهای جایگزین و آمادگی مواجهه با بحران‌ها، نیاز مدیران می‌باشد. برای دستیابی به هدف، از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده شده است. در بخش کیفی، نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام و با ۱۲ نفر به اشباع نظری دست پیدا شد. برای تحلیل مصاحبه‌های تخصصی از روش تحلیل کیفی مضمون و نرم‌افزار Maxqda و داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با روش حداقل مربعات جزئی و Smart PLS تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل مدیریتی، فناوری، فرهنگی و قانونی بر ذینفعان و بازیگران کلیدی، بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها و نهادهای دخیل تأثیر می‌گذارند. این عوامل نیز بر دیده‌بانی و پیش‌نگری و تشخیص رویدادها اثر می‌گذارند. در پایان، دیده‌بانی و پیش‌نگری و تشخیص رویدادها به اجرای پیش‌نگر، سناریوسازی و کنترل منجر می‌شوند.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، اجرای پیش‌نگر، سیاست‌های تأمین اجتماعی.

۱ ستاد: فرجی، سعید؛ عباسی، طیبه؛ بابایی اهری، مهدی (۱۴۰۴). طراحی مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی در ایران. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۱ (۲)، ۴۷-۲۹.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102505>



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

خردمآیة شکل‌گیری سیاست‌های تأمین اجتماعی، حل یک مسئله عمومی و اجتماعی است یعنی مسئله‌ای که موجب درد، رنج و یا سد راه رشد فرد یا گروهی از انسان‌ها شده که خود به تنهایی از عهده حل آن برنیايند. بنابراین سیاست‌های تأمین اجتماعی تدوین می‌شود تا مشکلات و محدودیت‌های موجود در جامعه که بر عامه مردم تأثیر منفی و کاهنده دارد را از میان بردارد (Danaei fard&Javanaliazar, 1402). یکی از جنبه‌های اصلی خط‌مشی‌گذاری، سیاست‌های تأمین اجتماعی است که به علت وسعت و دامنه زیادی که دارد گاه به صورت زمینه پژوهشی مجزا و هم‌ارز سیاست و خط‌مشی عمومی مطالعه می‌شود. این شامل دستورالعمل‌ها، اصول، قوانین و فعالیت‌های مرتبط است که بر شرایط زندگی مساعد برای رفاه انسان، مانند کیفیت زندگی یک فرد، تأثیر می‌گذارد (Lister & Brown, 2024). سیاست‌های تأمین اجتماعی در عملی‌ترین سطح خود، راهکارهایی را بررسی می‌کند که در آن جوامع، منابع را توزیع می‌کنند و خدمات را برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی توسعه می‌دهند. این روش ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را برای بهبود درک ما از نحوه سازماندهی منابع برای رفع این نیازها و چگونگی سنجش پیشرفت در این زمینه‌ها، در جوامع می‌باشد (Hervilami and ect, 2023). سیاست‌های تأمین اجتماعی یک سیستم اصولی آگاهانه برای هدایت تصمیمات و دستیابی به نتایج منطقی است. اکنون سیاست‌های تأمین اجتماعی به طور فزاینده‌ای هدف‌گرا بوده و هدف آن نتایج و اهداف قابل اندازه‌گیری و تصمیم‌گیری است و بر تصمیماتی تمرکز دارد که باید بلافاصله اتخاذ شوند (Jonz&ect, 2023). در ایران به طور مشخص وظیفه اصلی سیاست‌گذاری و تعیین سیاست‌های تأمین اجتماعی به عهده سازمان تأمین اجتماعی است. سازمان تأمین اجتماعی با گستردگی عملیاتی، تنوع کارکردها، فعالیت‌ها و قلمرو، حجم فعالیت‌های بسیار زیاد، در قلمرو اجتماعی ایفاگر نقش بسیار مهمی است (Saroukhani & Ect, 1400). تأمین اجتماعی به عنوان محور اصلی سیاست‌های تأمین اجتماعی کشور، مهمترین بازوی اجرایی دولت برای تسکین فقر، رفع نابرابری اجتماعی، بهبود رفاه اجتماعی و در نهایت توسعه اجتماعی بشمار می‌رود. در لایه عمیق‌تر اختلال در آن می‌تواند در وهله اول امنیت جامعه و در گستره وسیع تر انسجام اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد (Shahriari Mazrae Shahi & Ect, 1401). این سازمان بزرگ طی فعالیت شبانه‌روزی خود، دائم در تعامل و ارتباط گسترده با بیمه‌شدگان، بازنشستگان، بیماران، مراکز درمانی، واحدهای اقتصادی و کارفرمایی است. نظر به شرایط متغیر محیطی حاکم بر ساختار و کارکردهای سازمان تأمین اجتماعی، لازم است این سازمان به صورت همه‌جانبه، مستمر و خودگردان به تعیین سیاست‌هایی برای مواجهه با آینده بپردازد (Varaste Menshadi, 1402). این در حالی است که حوزه رفاه و تأمین اجتماعی به صورت عام و سازمان تأمین اجتماعی به صورت خاص، در چند دهه اخیر، با چالش عدم اجرا و یا اجرای ناقص بسیاری از سیاست‌ها مواجه بوده است (Rahimi moghaddam&ect, 1401). در سیاست‌های تأمین اجتماعی، مرحله اجرا اهمیت بسیار زیادی دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مرحله اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی با چالش‌های متعددی همراه است که با هدف‌های اولیه خط‌مشی و سیاست‌گذاران تفاوت دارد. بنابراین یا به طور کامل اجرا نمی‌شود و یا در مرحله اجرا با تحریف مواجه می‌گردد (Bayati&ect, 1403). آنچه به وضوح مشاهده می‌گردد آن است که به رغم وجود قوانین، سیاست و خط‌مشی‌های متفاوت به طور عمده در چهار حوزه پوشش و فراگیری بیمه‌ای، جامعیت خدمات و کفایت مزایا و پایداری مالی طرح‌های بیمه‌ای، شکاف عمده‌ای بین وضع موجود و وضع مطلوب مشاهده می‌گردد. ضریب نفوذ 67 درصدی بیمه‌های تأمین اجتماعی در کشور و عدم تحقق فراگیری کامل آن، ارائه پاره‌ای از خدمات همچون بیمه بیکاری در تعدادی از صندوق‌های بازنشستگی (مغایر با اصل جامعیت خدمات)، عدم کفایت مستمری‌های پرداختی به بازنشستگان با حداقل معیشت (مغایر با اصل کفایت مزایا) و عدم تعادل منابع و مصارف در عمده صندوق‌های بازنشستگی ۱۸ گانه کشور (مغایر با اصل پایداری مالی)، حاکی از آن است که به رغم تصویب قوانین و سیاست‌های تأمین اجتماعی، در برنامه‌های پیشین توسعه و همچنین اسناد و قوانین بالادستی، عامل مهم دیگری در چرخه سیاست‌گذاری مغفول واقع گردیده و بخشی از عدم توفیق مزبور مرتبط با عدم اجرای صحیح سیاست‌های تأمین اجتماعی مصوب پیشین می‌باشد (Rahimi loggadam, 1399). اجرای مؤثر سیاست، متضمن سیاست‌گذاری با نگاهی پیش‌نگر به گونه‌ای

است که اهداف کلی و جزئی سیاست در آینده محقق شوند. این مستلزم شناخت و پیش‌بینی انواع آینده محتمل و ارائه راهکارهای بدیل در شرایط متفاوت آتی است (Kokh, 2022). اما مهم‌تر از همه، طراحی ساختار اجرایی است که اجرا را عملیاتی می‌کند. اجرای سیاست نه با دست نامرئی و نه توسط یک سازمان مجری، به تنهایی امکان‌پذیر نخواهد بود، بلکه سازمان‌های متعدد با خوشه‌ای از سازمان‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی در فرایند اجرا نقش دارند. از این رو در اجرای یک طرح، سیاست با برنامه تأمین اجتماعی، هماهنگی و مشارکت دستگاه‌های اجرایی ذی نفع لازم است (Keshvarian azad & ect 1401). اجرای مؤثر سیاست‌ها مستلزم وجود شرایطی است که در سیاست‌گذاری، شرایط محیطی و ساختار اجرایی نهفته است (Gholipor, 1400). در مجموع باید گفت سیاست‌های تأمین اجتماعی نقش بزرگی در امنیت و رفاه آحاد جامعه ایفا کرده و بر متغیرهای کلان فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دولت تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. به‌همین دلیل مسأله سیاست‌های تأمین اجتماعی در قانون توجه دولت‌ها قرار گرفته است. از سوی دیگر نظر به نارسایی‌های موجود در مرحله اجرای سیاست‌ها و نرخ بالای تغییر و تحولات در عصر کنونی که از آن با عنوان دنیای پر آشوب یاد می‌شود باید اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. این مسئولیت به صورت عمده بر عهده سازمان تأمین اجتماعی است. جمعیت تحت پوشش این سازمان بیش از ۱۴ میلیون و ۸۰۰ هزار خانواده بیمه شده اصلی و بیش از ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر مستمری‌گیر است. با در نظر گرفتن خانواده بیمه‌شدگان نزدیک به ۴۲ میلیون نفر می‌رسد. در چشم‌انداز این سازمان آمده است سازمان تأمین اجتماعی در افق برنامه (سال ۱۴۰۴)، سازمانی است پایدار، پویا، چابک و سرآمد در پاسخگویی، با فرآیندهای هوشمند، ارائه خدمات کیفی و بهنگام تأمین اجتماعی به ذینفعان، خواهد بود. در بیانیه مأموریت این سازمان نیز تصریح شده است سازمان تأمین اجتماعی از طریق حضور پویا و اثربخش در فضای کسب‌وکار، خود را متعهد به پاسخگویی و انجام بهنگام تعهدات قانونی به ذینفعان و صیانت از منابع و ارتقای ارزش ذخایر خود می‌داند. این ویژگی‌ها حکایت از اهمیت کاربردی موضوع دارند ضمن آنکه جنبه‌های سلبی مسأله نیز شایان توجه است. انفعال نهادهای متولی سیاست‌های تأمین اجتماعی و دولت در برابر تغییرات گسترده محیطی، پیامدهای منفی و مخربی در مرحله اجرای سیاست‌ها به همراه خواهد داشت و دولت باید در سیاستی پیش‌گامانه در برابر آسیب‌های مرحله اجرا اقدام نماید. مطالعات زیادی در پایگاه‌های معتبر علمی پیرامون خطمشی و سیاست‌های عمومی ثبت شده است اما مطالعه این مسأله از منظر اجتماعی از دیدگاه پژوهشگران مغفول مانده است. بنابراین مطالعه حاضر با هدف رفع این شکاف پژوهشی با طراحی مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی و تعیین عناصر و مؤلفه‌های مؤثر اجرای پیش‌نگر و نحوه ارتباط آن عناصر انجام شد. سهم پژوهش و هم‌افزایی نظری مطالعه حاضر نیز در آن است که در این مطالعه کوشش می‌شود با رویکردی اکتشافی و مبتنی بر دیدگاه افراد باتجربه و صاحب‌نظر، سازه‌های اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی شناسایی و الگوی روابط میان آنها تبیین شود تا سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌های تأمین اجتماعی قبل از تصویب و اجرای تصمیم‌ها و سیاست‌ها نسبت به برآورد و پیش‌بینی نیازها، منابع، رویدادها، عدم قطعیت‌ها و ریسک‌های اجرا اقدام نموده و در صورت لزوم با استفاده از سناریوهای جایگزین از قبل تعیین شده اجرای درست را به ثمر رسانند. مطالعه حاضر به این پرسش کلیدی پاسخ می‌دهد که مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش

سیاست‌گذاری: به لحاظ تاریخی سیاست‌گذاری نخستین بار بوسیله هارولد لاسول به سال ۱۹۷۲ به صورت الگویی فرایندی در بخش دولتی مطرح شد. لاسول خطمشی یا سیاست را یک برنامه طراحی شده از اهداف، ارزش‌ها و اقدامات می‌داند. سیاست عمومی نیز مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً ثابت و پایدار و هدفمند دولت، برای حل معضلات یا دغدغه‌های عمومی جامعه است (Alvani, 1402). جنکینز نیز سیاست را به عنوان مجموعه تصمیمات متعامل بازیگران یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دست‌یابی به آنها در شرایط مشخص، به شرط آن که این تصمیمات قانوناً در چارچوب اختیارات

بازیگران اتخاذ شده باشند، تعریف نموده است (Sadeghi, 1401). سیاستگذاری فرایندی را شامل می‌شود که از تشخیص مسئله یا موضوع شروع شده، با طی مراحل تدوین، تصویب، اجرا و درنهایت، ارزیابی سیاست به پایان می‌رسد (Danae fard, 1402). **سیاستگذاری پیش‌نگر:** سیاستگذاری پیش‌نگر را کنشی آگاهانه در حوزه عمومی دانسته‌اند که بوسیله دولت تدوین و اجرا می‌شود. کنشی که با انگیزه آمادگی برای مواجهه با تغییرات محتمل آینده صورت می‌پذیرد (Janbazi & ect, 1402). در یک تعریف گسترده و فراگیر می‌توان سیاستگذاری پیش‌نگر را به‌عنوان مجموعه کوشش‌هایی در جهت فهم رویدادهای آینده و سیاستگذاری مناسب در مواجهه با آن در نظر گرفت (Jakeman&ect, 2021). در فرایند سیاستگذاری، بازیگران متعددی در عرصه‌های گوناگون و بازه‌های زمانی متغیر، بر سر راهکارهای مسائل فراوری جامعه با یکدیگر تعامل می‌کنند. دستیابی به یک وحدت نظر در این مسیر بسیار دشوار است چرا که این بازیگران از اهداف، منافع، برداشتها و دغدغه‌های خاص خود برخوردار هستند (Hughes&ect, 2020). از این رو انتظار می‌رود که نظام سیاستگذاری پیش‌نگر خواسته‌های تمامی بازیگران را شناسایی کرده و میزان سازگاری آن با وضعیت مطلوب را مورد توجه قرار دهد و ناسازگاریها را تشخیص داده و راهکارهایی پیشگامانه ارائه دهند (Jalonen, 2024).

اجرای سیاست: در نهایت باید به مفهوم «اجرا» در تدوین خطمشی و سیاست‌ها اهتمام ویژه‌ای داشت. اجرا عبارت است از اقدامات انجام شده برای نیل به هدف‌های از پیش تنظیم شده در مرحله تصمیم‌گیری و تدوین سیاست. اجرا زمانی آغاز می‌شود که هدف‌ها و مقاصد تصمیم‌گیری مربوط به سیاست تثبیت شده و بودجه لازم برای آن تخصیص داده شده باشد (Jensen&ect, 2022). در منظر کالیستا، اجرا همان تحقق وفادارانه مقاصد سیاست به وسیله کارگزاران عمومی است. عده‌ای دیگر همچون مازمانیان و ساباتییه معتقدند که در مرحله اجرا، سیاست‌ها تدوین و مشروعیت می‌یابد و به طور کلی اجرا، پیاده‌سازی یک سیاست یا تصمیم اساسی می‌باشد که در یک قانون وضع شده درج شده است، درحالی‌که در شکل دستورات اجرایی یا تصمیمات قضایی نیز می‌تواند باشد (Mazmanian and Sabatier 1984). به عقیده پرسمن و ویلداوسکی، اجرا یعنی ایجاد یک زنجیره علی-معلولی از اهداف که به نتایج ختم می‌گردد (Pressman 1984 Wildavsky). در سیستمهای حکمرانی مختلف، اجرای خطمشی، محل اصلی بیان جنگ و درگیری سیاسی است که نیازمند دقت نظر لازم جهت تحقق اهداف خطمشی و عدم انحراف آن است (Mann و Moffitt, 2019). از منظر الوانی و شریف زاده دو تعریف برای اجرا قابل تصور می‌باشد: ۱- تعامل بین هدفگذاری و اعمال اقداماتی که در جهت حصول به آنها طرح ریزی شده است. ۲- قدرت و توانایی در ایجاد پیوندهای متوالی در زنجیره روابط علی و معلولی به صورتی که نتایج مطلوب به دست آیند (الوانی و شریف زاده، ۱۳۷۶). میتر و هورن در مورد اجرا بیان می‌دارند که اجرا مجموعه اقدامات برای رسیدن به اهداف است (Van Met و Van Horn, 1975). بارنت و فادج، اجرا را پیوند بین خطمشی و عمل می‌دانند (Barrett و Fudge, 1981) اجرا از منظر پرسمن و ویلداوسکی فرایند تکاملی و تعاملی بین مجموعه‌های از اهداف و اقدامات است (Pressman و Wildavsky, 1984). از باب اهمیت ابزارها در اجرای خطمشی، باید گفت مطالعات خط مشی همواره علاقه مند به تجزیه و تحلیل و بهبود مجموعه ابزارهای خطمشی گذاری اتخاذ شده توسط دولتها برای تصحیح مشکلات سیاست و درک بهتر و بهبود فرایندهای تحلیل خطمشی و تدوین خطمشی به منظور انجام این کار است (Howlett, 2019).

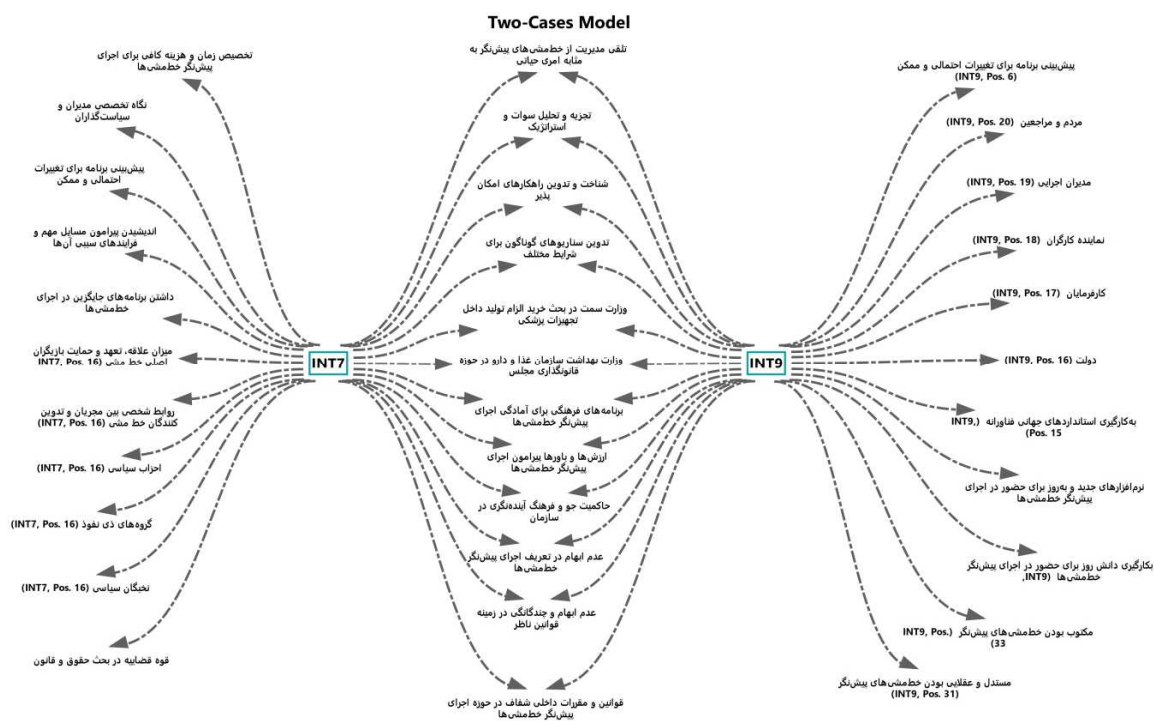
اجرای پیش‌نگر سیاست: علی‌رغم تقاضای روز افزون برای دانش پیش‌نگری، عمل ایجاد ارتباط بین آینده نگری و سیاست هنوز دشوار است و در حالی که مطالعات بسیار زیادی در مورد آینده وجود دارد، استفاده از دانش پیش‌نگری در سیاست در بهترین شرایط، بی‌اهمیت باقی مانده است. یکی از مهم‌ترین نقش‌هایی که یک تحلیل‌گر سیاست دارد کمک به سیاستگذاران در انتخاب سیاستی است که عدم قطعیت‌های زیادی آن را احاطه کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین عدم قطعیت‌ها، مربوط به آینده‌ای است که سیاست باید در آن مسیر عمل کند. فکر کردن در مورد این که آینده چگونه خواهد بود، نقطه آغاز بسیاری از تحلیل‌های حوزه سیاست است. با اینحال، شگفت‌آور است که علی‌رغم تحقیقات گسترده در حوزه آینده، محتوای این تحقیقات اغلب در تجزیه و

تحلیل سیاست مورد استفاده قرار نمی‌گیرد که این نکته بیانگر شکاف بین دانش آینده و کاربرد آن در سیاست‌گذاری و همچنین ناشی از عدم انطباق بین دانش پیش‌نگری و تجزیه و تحلیل سیاست است (van Dorsser & ect, 2018).

پیشینه پژوهش‌های اجرای سیاست و جایگاه پیش‌نگری: پژوهش‌های اجرای سیاست‌ها در طی سه دهه گذشته با رشد بسیاری همراه بوده است. اُتله استدلال می‌کند که نیاز به بهبود نظریه اجرای سیاست کاملاً احساس می‌شود. در عین حال باید توجه ویژه‌ای نیز به نیازهای تصمیم‌گیرندگان مدیریت منابع انسانی نیز معطوف شود. این در حالی است که همچنان موفقیت‌های چشمگیری در یافتن راه‌های پیوند تلاش‌های نظری با نصایح علمی بدست نیامده است (Alvani & ect, 1402). براساس یافته‌های مطالعه بیاتی و همکاران (۱۴۰۳) در حوزه اجرای سیاست‌های اجتماعی، عواملی مانند انضباط و قانون مداری، تأمین حفاظت نظام‌مند، سیاست‌های پولی و اعتباری، رقابت سالم و اخلاقی، جلوگیری از فساد و توانمندسازی زیرساخت‌ها، نقش‌آفرین هستند. نتایج پژوهش زیاری و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد سیاست‌های تأمین اجتماعی نیازمند سناریوی «بهبود کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی» و «کاهش فساد سازمان یافته» است که شکاف بین دولت و ملت را کاهش می‌دهد. نتایج تحقیق شهریاری مزرعه‌شاهی و همکاران (۱۴۰۲) حاکی از آن است که سیاست‌های تأمین اجتماعی اولین قدم برای مشارکت عمومی؛ مشخص کردن افراد ذینفع در سازمان می‌باشد. اگر چه دخالت همه ذینفعان در فرآیند تصمیم‌گیری یکسان نیست، اما همه طرفین باید مشخص و درک شوند. براساس یافته‌های پژوهش رحیمی‌مقدم و همکاران (۱۴۰۱) از آن جا که سازمان تأمین اجتماعی نیازمند اجرای موفق چنین مدلی است، چند پیشنهاد اجرایی همچون: شکل دهی گفتمان چند سطحی در سطح حاکمیت؛ لزوم اصلاحات ساختاری؛ انسجام و یکپارچه‌سازی درون سازمانی؛ توسعه دانش و فرهنگ تأمین اجتماعی و ناب‌سازی ارائه شد. نتایج تحقیق ملکی طولابی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که دولت‌ها به واسطه مشکلاتی همچون نقص اطلاعات، نقص قدرت تحلیل یا ترس از تغییرات رادیکال و محافظه کار بودن در حوزه تأمین اجتماعی و بیمه در ایران دست به تغییرات بنیادین نزده‌اند و دولت‌های جدید هم صرفاً لایه ای ناچیز از تغییرات را اضافه کرده اند که تغییر بنیادین را در برنمی‌گیرد. براساس یافته‌های مطالعه خدابخشی (۱۳۹۶) در حوزه پیش‌بینی سیاست‌های اجتماعی (اقتصاد مقاومتی) مؤلفه‌های اجرای موفق: پیش‌بینی ابزاری در اجرا، فرهنگ سازی، توانمندی بومی، مشارکت فعال، توجیه ذینفعان عمومی بود که در تحقیق حاضر به مضامین اصلی آینده‌نگری و دیده بانی و مضامین فرعی بسیار منجمله رصد تحولات، پیش‌بینی تغییرات، تحقیق و توسعه، پایش مستمر محیطی و... که در نتایج اشاره شده است، ضمن دستیابی به آن تحقیقات توسعه و کامل تر شد. در نتایج تحقیقات ون دورسر (۲۰۱۸) مشخص شد بوسیله ساختارهای رشته‌های آینده‌نگر درحوزه‌های آینده، عدم اطمینان و عدم قطعیت‌ها پیش‌بینی و کنترل می‌شود و پیوند بین آنها برقرار می‌گردد که در این مقاله با طراحی مدل اجرایی مدل اجرایی آینده‌نگر، عناصر مربوطه شناسایی و نحوه ارتباط آن عوامل تعیین گردیدند. در تحقیقات وارن واکر موضوع مدل انطباقی که در مقاله اسکندری @نیا و همکاران (۱۳۹۸) به آن اشاره شده است، عنوان شد خط مشی گذاری انطباقی دارای مراحل اولیه، تعریف مفروضاتی که خط مشی گذاری اولیه بر مبنای آن استوار است، تعریف اطلاعاتی که باید در طول زمان تکمیل شوند، تعریف اطلاعات کاهنده و حذف کننده اثرات مخرب خط مشی، اقدامات کاهنده ریسک‌ها، اقدامات اصلاحی و تدوین سناریوهای جایگزین و ارزیابی مجدد خط مشی، است و تحقیق حاضر با استفاده از مدل مذکور توسعه و کاربردی گردید و توسعه آن از جهت دستیابی به عناصر و عوامل پیش‌نگری اجرا می‌باشد بدین معنی که در مرحله تدوین خط مشی و قبل از اجرای سیاست‌ها به تمامی نیازهای اجرا بطور ژرف نگرینخته شود. در پایان مرور مطالعات و پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد در دهه گذشته علاقه به سیاست‌های تأمین اجتماعی در کشور افزایش پیدا کرده است و مطالعات پراکنده‌ای نیز انجام شده است. در مطالعات پیشین صرفاً به صورت مروری یا بررسی تاریخی صورت گرفته‌اند بنابراین در ادامه با رویکردی اکتشافی کوشش شده است تا به شناخت سازه‌های مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی پرداخته شود.

روش پژوهش

این مطالعه یک پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است که با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی انجام شد. در راستای نیل به هدف از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی استفاده گردید. ابتدا با روش کیفی چهارچوب و مدل تحقیق استخراج و سپس در مرحله دوم به روش کمی مدل تحقیق اعتبار سنجی شد. بخش کیفی: در مرحله اول از طریق مصاحبه اطلاعات لازم احصاء شد. جامعه مشارکت‌کنندگان بخش کیفی شامل خبرگان نظری (اساتید مدیریت دولتی) و خبرگان تجربی (مدیران سازمان تأمین اجتماعی، سیاست‌گذاران و مجریان سیاست) است. براساس دیدگاه میلر و همکاران (۲۰۱۰) از پنج معیار کلیدی بودن، سرشناس بودن، دانش نظری، تنوع، انگیزه مشارکت برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. کدگذاری در کل فرایند تحلیل صورت گرفت و تعریف شد یعنی پس از هر مصاحبه کدگذاری انجام شد و جریان تجزیه و تحلیل با اضافه شدن هر مصاحبه به همین ترتیب تکرار شد. این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و پس از مصاحبه دهم، تکرار در نتایج حاصل شد. یعنی تحلیل داده‌ها به کدها و سازه‌های جدیدی منتهی نشد. با این وجود برای اجتناب از اشباع نظری کاذب، ۲ مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت و در نهایت ۱۲ مصاحبه با خبرگان انجام شد (شکل ۱).



شکل ۱ - دستیابی به اشباع نظری.

ارزیابی داده‌ها براساس پیشنهاد لینکلن و گوبا، با استفاده از چهار معیار اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و اطمینان‌پذیری از دیدگاه داوران ارزیابی و تأیید شد. برای بررسی پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها، ضریب هولستی^۱ ۰/۷۵۴ و برای بررسی پایایی مقوله‌بندی انجام شده کاپای کوهن ۰/۶۸۱ برآورد شد که هر دو از ۰/۶ بیشتر است بنابراین تحلیل کیفی از اعتبار کافی برخوردار است. برای تجزیه و تحلیل داده در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون (تم) و نرم‌افزار Maxqda استفاده شد. بخش کمی: در

1. Holsti

مرحله دوم در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه پژوهش براساس نتایج تحلیل کیفی شامل ۱۱ سازه اصلی و ۷۵ گویه با طیف لیکرت طراحی گردید.

جامعه آماری بخش کمی شامل مدیران و کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی است. برای برآورد حجم نمونه از قاعده تحلیل توان کوهن^۱ (۱۹۹۲) و نرم افزار G*Power استفاده شد. در سطح اطمینان ۹۵٪ با اندازه اثر ۰/۱۵ و توان آزمون ۸۰٪ حداقل حجم نمونه ۱۸۶ نفر برآورد گردید که برای اطمینان بیشتر ۱۹۰ پرسشنامه گردآوری شد.

روایی پرسشنامه با روش روایی صوری (نظرخواهی از خبرگان)، روایی همگرا (AVE) و روایی واگرا بررسی و معتبر ارزیابی شد. استفاده شد. آلفای کرونباخ کلی پرسشنامه در یک مطالعه مقدماتی ۰/۸۱۱ بدست آمد. همچنین آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی (CR) و ضریب رو برای همه سازه‌ها بزرگتر از ۰/۷ برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده در بخش کمی از روش حداقل مربعات جزئی و نرم افزار Smart PLS استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

در بخش کیفی ۱۲ نفر شامل ۵ نفر از اساتید دانشگاهی و ۷ از مدیران سازمان تأمین اجتماعی مشارکت کردند (جدول ۱).

جدول ۱ - ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بخش کیفی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۸
	زن	۴
سن	کمتر از ۳۵ سال	۱
	۳۵ تا ۴۵ سال	۴
	۴۵ سال و بیشتر	۷
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۳
	دکتری	۹
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۲
	۱۰ تا ۲۰ سال	۵
	بالای ۲۰ سال	۵
کل		۱۲
		۱۰۰٪

در بخش کمی این مطالعه از دیدگاه ۱۹۰ نفر مدیران و کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی استفاده شد.

جدول ۲ - ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران و کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۲۶
	زن	۶۴
سن	کمتر از ۳۰ سال	۴۲
	۳۰ تا ۴۰ سال	۴۹
	۴۰ تا ۵۰ سال	۵۲
	بیش از ۵۰ سال	۴۷
تحصیلات	کارشناسی	۶۱
		۳۲٪

کارشناسی ارشد	۸۱	۴۳٪
دکتری	۴۸	۲۵٪
سابقه کاری	کمتر از ۱۰ سال	۲۳٪
	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۹٪
	۱۵ تا ۲۰ سال	۲۹٪
	بیش از ۲۰ سال	۱۸٪
کل	۱۹۰	۱۹۰

جهت تبیین مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی، مصاحبه‌های تخصصی با اساتید دانشگاهی و مدیران سازمان تأمین اجتماعی صورت گرفت. تحلیل مصاحبه‌ها در نرم‌افزار MaxQDA با روش تحلیل مضمون براساس رویکرد اترید-استرلینگ (۲۰۰۱) در ۶ گام صورت گرفت. گام نخست آشنایی با داده‌ها است به‌همین منظور ترانویسی^۱ متن مصاحبه‌ها همراه با جزییات توصیفی (مانند شیوه ابراز احساسات مصاحبه‌شونده در مواجهه با پرسش‌ها، شرایط محیطی و...) صورت پذیرفت و چندین بار مورد مطالعه قرار گرفت. گام دو ایجاد کدهای اولیه براساس داده‌ها است. سپس داده‌ها به واحدهای معنایی در قالب جملات و پاراگراف‌های مرتبط با معنای اصلی شکسته شد. واحدهای معنایی نیز چندین بار مرور و سپس کدهای مناسب هر واحد معنایی نوشته شد. کدگذاری متن با اضافه شدن هر مصاحبه به همین ترتیب تکرار شد تا با تکرار در کدهای استخراجی در نهایت اشباع نظری حاصل گردید. گام سه، جستجوی مضامین با دسته‌بندی کدهای گوناگون در قالب مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر است. برای این منظور کدهای باز براساس تشابه معنایی طبقه‌بندی شدند و برای مثال طبقه نخست به «دیده‌بانی و پیشنگری» تخصیص داده شد. در گام چهار مضامین مورد بازبینی قرار گرفت و جرح و تعدیل‌ها لازم به عمل آمد و در گام پنج به تعریف و نام‌گذاری نهایی مضامین پرداخته شد. در پایان در گام شش، گزارش نهایی تحلیلی کیفی تدوین شد و براساس این گزارش به ۳ مضمون فراگیر، ۱۱ مضمون سازمان‌دهنده و ۷۵ مضمون پایه دست پیدا شد. کدهای مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی در جدول ۳ ارائه شده است.

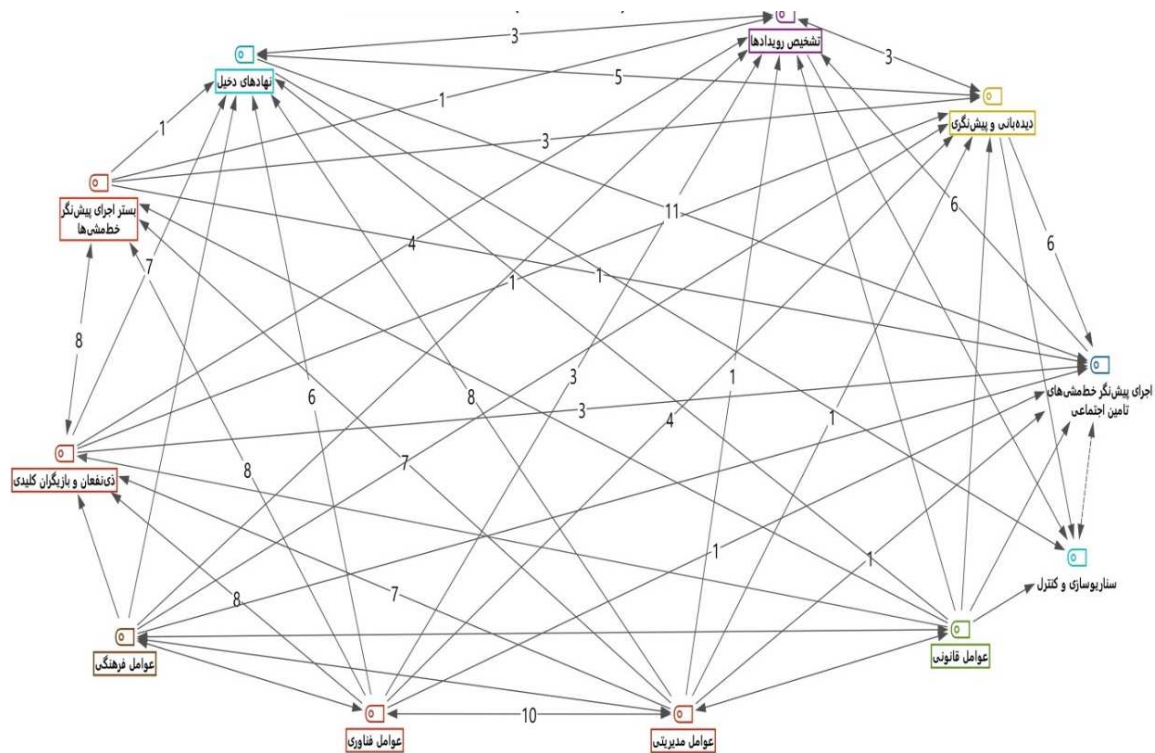
جدول ۳ - کدهای مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
آینده‌نگری	دیده‌بانی و پیشنگری	رصد تحولات و تغییرات در حوزه بیمه و تأمین اجتماعی
		پیش‌بینی تغییرات و تحولات آتی
		تحقیق و توسعه
		پایش مستمر محیط درونی و بیرونی
		تشخیص به‌هنگام وقایع و رویدادهای مرتبط با تأمین اجتماعی
		حساسیت نسبت به همه وقایع محیطی
	تشخیص رویدادها	شناسایی نیازها و خواسته‌ها از تأمین اجتماعی
		توانایی تشخیص رویدادهای نوظهور
		شناسایی نوآوری‌های موجود در بیمه
		شناسایی منابع و امکانات در حوزه تأمین اجتماعی
		بررسی و شناسایی فرصت‌های موجود
		بررسی و شناسایی تهدیدها و مخاطرات موجود
		داشتن برنامه در جهت مواجهه با بحران
		لحاظ تورم

سناریوسازی و کنترل	تدوین سناریوهای گوناگون برای شرایط مختلف داشتن برنامه‌های جایگزین در اجرای سیاست‌ها شناخت و تدوین راهکارهای امکان پذیر تحلیل انواع آینده ممکن و محتمل اندیشیدن پیرامون مسایل مهم و فرایندهای سببی آن‌ها پیش‌بینی برنامه برای تغییرات احتمالی و ممکن تجزیه و تحلیل استراتژیک تدوین سیستم کنترل پیشگیرانه و اصلاح کننده اجرای پایلوت برنامه‌ها
عوامل مدیریتی	بررسی نیازها (زمین ، تجهیزات ، زیرساخت، بودجه و نقدینگی) توجه به تغییرات بین نسلی برای تأمین منابع تأمین منابع مالی ثابت از دولت دریافت مطالبات از دولت پشتیبانی مدیران و متولیان فرهنگ از اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها تلقی مدیریت از سیاست‌های پیش‌نگر به مثابه امری حیاتی نگاه تخصصی مدیران و سیاستگذاران کارآمدی و انعطاف‌پذیری ساختار تشکیلاتی تأمین اجتماعی تخصیص زمان و هزینه کافی برای اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها
عوامل بستر سازی	سازگاری با اسناد بالادستی قوانین و مقررات داخلی شفاف در حوزه اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها عدم ابهام و چندگانگی در زمینه قوانین ناظر عدم ابهام در تعریف اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها نظارت کامل بر حسن اجرای قوانین حاکمیت جو و فرهنگ آینده‌نگری در سازمان ارزش‌ها و باورها پیرامون اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها پذیرش حرکت به سوی اجرای پیش‌نگر خط‌مشی‌ها عدم مقاومت کارکنان تأمین اجتماعی در برابر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها برنامه‌های فرهنگی برای آمادگی اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها
عوامل فرهنگی	وجود نیروی انسانی متخصص در زمینه اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها بکارگیری دانش روز برای حضور در اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها سخت‌افزارها و تجهیزات فناوری مناسب نرم‌افزارهای جدید و به‌روز برای حضور در اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها به‌کارگیری استانداردهای جهانی فناورانه
عوامل فناوری	اصناف و گروه‌های کارگری ، معازنه داران و کارخانه داران تصمیم گیران و مدیران عالی کمیسیون‌های تخصصی مدیران اجرایی مردم و مراجعین مدیران اجرایی ستاد و صف سازمان
عوامل اجرایی	دینفعان و بازیگران کلیدی وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو درحوزه قانونگذاری و نظارتی وزارت کار در بحث نظارتی و قانونگذاری وزارت سمت در بحث خرید لوازم تولید داخل تجهیزات پزشکی و آمبولانس
عوامل نهادی	وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو درحوزه قانونگذاری و نظارتی وزارت کار در بحث نظارتی و قانونگذاری وزارت سمت در بحث خرید لوازم تولید داخل تجهیزات پزشکی و آمبولانس

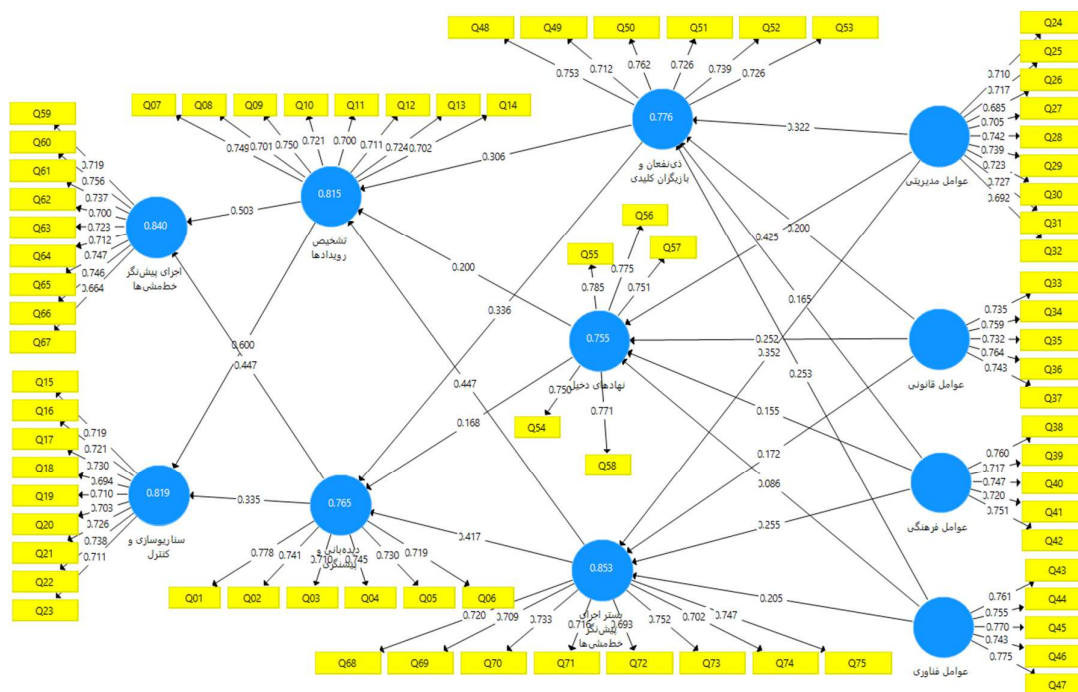
قوه قضاییه در بحث حقوق و قانون		
کانون بازنشستگان خانه کارگری در بحث نظارتی و بازرسی‌ها		
برخوردارای سیاست های پیش‌نگر از صراحت و وضوح کافی	ویژگی‌های اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	
قابلیت اجرایی سیاست های پیش‌نگر		
انعطاف‌پذیری و سازگاری سیاست های پیش‌نگر		
مستدل و عقلایی بودن سیاست پیش‌نگر		
سازگاری سیاست‌گذاری با فرهنگ حاکم بر جامعه		
پیش بینی کننده موانع و حل مشکلات		
پویا و آگاه به تغییرات احتمالی		
قابلیت شناسایی پیش نیازهای اجرای یک تصمیم		
منعطف، یادگیرنده و انطباق پذیر		
تدوین و ابلاغ قوانین و مقررات اجرایی اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	
مدیریت تعارض		
وجود سرمایه‌های اجتماعی		
شایسته سالاری		
همراهی ذینفعان		
سرعت مناسب		
امنیت اقتصادی		
استفاده از افراد با نفوذ جهت همراهی عامه		

سازه‌های مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی عبارتند از: عوامل آینده‌نگری (دیدهبانی و پیشگیری، تشخیص رویدادها، سناریوسازی و کنترل)؛ عوامل زمینه‌ای (عوامل مدیریتی، عوامل قانونی، عوامل فرهنگی، عوامل فناوری) و عوامل اجرایی (ذینفعان و بازیگران کلیدی، نهادهای دخیل، اجرای پیش‌نگر خط‌مشی‌ها، بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها). کدهای پایه سنجش اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی عبارتند از: «برخوردارای سیاست‌های پیش‌نگر از صراحت و وضوح کافی»؛ «قابلیت اجرایی»؛ «انعطاف‌پذیری و سازگاری»؛ «مستدل و عقلایی بودن»؛ «سازگاری خط‌مشی‌گذاری با فرهنگ حاکم بر جامعه»؛ «پیش‌بینی‌کننده موانع و حل مشکلات»؛ «پویا و آگاه به تغییرات احتمالی»؛ «قابلیت شناسایی پیش‌نیازهای اجرای یک تصمیم»؛ «منعطف، یادگیرنده و انطباق‌پذیر». مدل هم‌رخدادی کدها در نرم‌افزار مکس کیودا برای ترسیم مدل ارتباطی و نقشه شبکه‌ای کدها براساس همزمانی آنها عمل می‌کند. با استفاده از این روش می‌توان یک مدل مفهومی اولیه براساس تحلیل کیفی و کدگذاری متن ارائه کرد. مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی در شکل ۲ نمایش داده شده است.

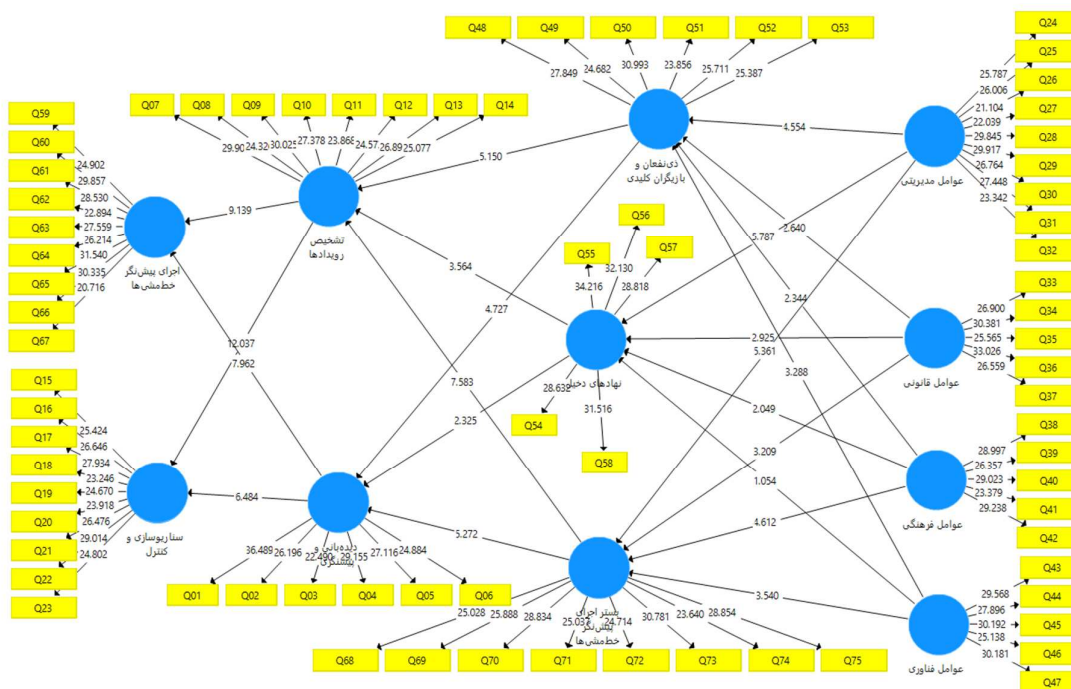


شکل ۲ - مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی Code Co-occurrence Model.

پس از ارائه مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی، جهت اعتبارسنجی از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شد. اعتبارسنجی مدل در حالت تخمین استاندارد در شکل ۳ نمایش داده شده است. برآورد آماره t و مقدار بوت‌استرپینگ برای سنجش معناداری روابط نیز در شکل آمده است.



شکل ۳ - اعتبارسنجی مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی.



شکل ۴ - معناداری مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی.

بخش بیرونی مدل (مدل اندازه‌گیری) رابطه متغیرهای قابل مشاهده با متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد. میزان رابطه سوالات با سازه‌های اصلی بوسیله بارعاملی نشان داده می‌شود. نتایج مندرج در شکل ۲ و ۳ نشان می‌دهد بارهای عاملی در تمامی موارد از ۰/۶ بیشتر است و آماره t نیز در تمامی موارد بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد. بنابراین بخش اندازه‌گیری مدل از اعتبار مناسبی برخوردار است. برای اطمینان بیشتر، مدل بیرونی (اندازه‌گیری) براساس شاخص روایی همگرا، ضریب رو، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفت. میانگین واریانس استخراج شده (AVE) باید بزرگتر از ۰/۵ و ضریب رو، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ باشد (آذر و غلامزاده، ۱۳۹۸). خلاصه نتایج ارزیابی برازش مدل اندازه‌گیری در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴ - بخش اندازه‌گیری مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی

سازه‌های اصلی	AVE	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (CR)	ضریب رو (Rho)
اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۵۲۳	۰/۸۸۶	۰/۸۸۶	۰/۹۰۸
بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۵۲۱	۰/۸۶۸	۰/۸۶۹	۰/۸۹۷
تشخیص رویدادها	۰/۵۱۸	۰/۸۶۷	۰/۸۶۷	۰/۸۹۶
دیده‌بانی و پیشنگری	۰/۵۴۳	۰/۸۳۲	۰/۸۳۲	۰/۸۷۷
ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی	۰/۵۴۲	۰/۸۳۱	۰/۸۳۱	۰/۸۷۷
سناریوسازی و کنترل	۰/۵۱۴	۰/۸۸۲	۰/۸۸۲	۰/۹۰۵
عوامل فرهنگی	۰/۵۴۷	۰/۷۹۳	۰/۷۹۴	۰/۸۵۸
عوامل فناوری	۰/۵۷۹	۰/۸۱۸	۰/۸۱۸	۰/۸۷۳
عوامل قانونی	۰/۵۵۸	۰/۸۰۲	۰/۸۰۲	۰/۸۶۳
عوامل مدیریتی	۰/۵۱۲	۰/۸۸۱	۰/۸۸۱	۰/۹۰۴
نهادهای دخیل	۰/۵۸۸	۰/۸۲۵	۰/۸۲۵	۰/۸۷۷

روابط بین سازه‌های اصلی با عنوان مدل درونی (بخش ساختاری) شناخته می‌شود. روابط میان سازه‌های اصلی (بخش ساختاری) براساس ضریب مسیر و آماره t مورد بررسی قرار گرفت. خلاصه نتایج آزمون روابط میان سازه‌های اصلی در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵ - اعتبارسنجی مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی

رابطه	ضریب مسیر	آماره t	معناداری	نتیجه
بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها ← تشخیص رویدادها	۰/۴۴۷	۷،۵۸۳	۰/۰۰۰	تایید
بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها ← دیده‌بانی و پیشنگری	۰/۴۱۷	۵،۲۷۲	۰/۰۰۰	تایید
تشخیص رویدادها ← اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۵۰۳	۹،۱۳۹	۰/۰۰۰	تایید
تشخیص رویدادها ← سناریوسازی و کنترل	۰/۶۰۰	۱۲،۰۳۷	۰/۰۰۰	تایید
دیده‌بانی و پیشنگری ← اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۴۴۷	۷،۹۶۲	۰/۰۰۰	تایید
دیده‌بانی و پیشنگری ← سناریوسازی و کنترل	۰/۳۳۵	۶،۴۸۴	۰/۰۰۰	تایید
ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی ← تشخیص رویدادها	۰/۳۰۶	۵،۱۵	۰/۰۰۰	تایید
ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی ← دیده‌بانی و پیشنگری	۰/۳۳۶	۴،۲۲۷	۰/۰۰۰	تایید
عوامل فرهنگی ← بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۲۵۵	۴،۶۱۲	۰/۰۰۰	تایید
عوامل فرهنگی ← ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی	۰/۱۶۵	۲،۳۴۴	۰،۰۱۹	تایید
عوامل فرهنگی ← نهادهای دخیل	۰/۱۵۵	۲،۰۴۹	۰،۰۴۱	تایید
عوامل فناوری ← بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۲۰۵	۳،۵۴	۰/۰۰۰	تایید
عوامل فناوری ← ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی	۰/۲۵۳	۳،۲۸۸	۰،۰۰۱	تایید
عوامل فناوری ← نهادهای دخیل	۰/۸۶	۱،۰۵۴	۰،۲۹۳	رد
عوامل قانونی ← بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۱۷۲	۳،۲۰۹	۰،۰۰۱	تایید
عوامل قانونی ← ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی	۰/۲۰۰	۲،۶۴	۰،۰۰۹	تایید
عوامل قانونی ← نهادهای دخیل	۰/۲۵۲	۲،۹۲۵	۰،۰۰۴	تایید

عوامل مدیریتی ← بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۳۵۲	۵,۳۶۱	۰/۰۰۰	تایید
عوامل مدیریتی ← ذینفعان و بازیگران کلیدی	۰/۳۲۲	۴,۵۵۴	۰/۰۰۰	تایید
عوامل مدیریتی ← نهادهای دخیل	۰/۴۲۵	۵,۷۸۷	۰/۰۰۰	تایید
نهادهای دخیل ← تشخیص رویدادها	۰/۲۰۰	۳,۵۶۴	۰/۰۰۰	تایید
نهادهای دخیل ← دیده‌بانی و پیشگیری	۰/۱۶۸	۲,۳۲۵	۰,۰۲	تایید

از شاخص ضریب تعیین (R^2) و شاخص ارتباط پیش‌بین (Q^2) برای سنجش قدرت پیش‌بینی مدل استفاده شد. این دو شاخص برای متغیرهای درون‌زا محاسبه می‌شوند. ضریب تعیین، بیانگر میزان تغییرات متغیرهای وابسته توسط متغیرهای مستقل است. سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای ضعیف، متوسط و قوی بودن برازش بخش ساختاری مدل به وسیله معیار ضریب تعیین است (چین؛ ۱۹۹۸). از شاخص ارتباط پیش‌بین (Q^2) نیز برای سنجش قدرت پیش‌بینی مدل استفاده می‌شود. این شاخص بوسیله استون و گیزر معرفی شد و با روش بلایند فولدینگ برآورد می‌شود. اگر مقدار (Q^2) مثبت باشد نشان می‌دهد که مدل از توان پیش‌بینی مناسبی برخوردار است. همچنین مقدار (q^2) اثر نسبی شاخص ارتباط پیش‌بین را برآورد می‌کند. در اینجا نیز سه مقدار ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (بزرگ) برای ارزیابی میزان تناسب استفاده می‌شود. شاخص‌های قدرت پیش‌بینی مدل (R^2) و (Q^2) در جدول ۶ گزارش شده است.

جدول ۶ - قدرت پیش‌بینی مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی

سازه‌های اصلی	R2	R2 تعدیل شده	Q2	q2
اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۸۴۰	۰/۸۳۹	۰/۴۰۹	۰/۶۹۲
بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها	۰/۸۵۳	۰/۸۵۲	۰/۴۱۴	۰/۷۰۶
تشخیص رویدادها	۰/۸۱۵	۰/۸۱۴	۰/۳۹۵	۰/۶۵۳
دیده‌بانی و پیشگیری	۰/۷۶۵	۰/۷۶۳	۰/۳۸۷	۰/۶۳۱
ذی‌نفعان و بازیگران کلیدی	۰/۷۷۶	۰/۷۷۴	۰/۳۹۳	۰/۶۴۷
سناریوسازی و کنترل	۰/۸۱۹	۰/۸۱۸	۰/۳۹۳	۰/۶۴۷
نهادهای دخیل	۰/۷۵۵	۰/۷۵۳	۰/۴۱۵	۰/۷۰۹

براساس نتایج جدول ضریب تعیین سازه‌های درون‌زای مدل پژوهش مطلوب می‌باشد. مقدار ضریب تعیین اجرای پیش‌نگر خط‌مشی‌ها ۰/۸۴۰ برآورد شد. این نشان می‌دهد که متغیرهای مدل توانسته‌اند ۸۴٪ از تغییرات در اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها را تبیین کنند. شاخص (Q^2) نیز در تمامی موارد مثبت برآورد شد بنابراین مدل از قابلیت پیش‌بینی مناسبی برخوردار است. اثر نسبی شاخص ارتباط پیش‌بین (q^2) در همه موارد از ۰/۳۵ بزرگتر است بنابراین قوی برآورد گردیده است. برای ارزیابی برازش مدل از شاخص GOF و RMS و SRMR و NFI استفاده می‌شود. برای شاخص GoF سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی شده است. برای شاخص RMS_theta مقادیر کوچکتر از ۰/۱۲ نشانه تناسب مدل است. شاخص SRMR نیز بهتر است زیر ۰/۱ و خیلی سخت‌گیرانه کمتر از ۰/۰۸ باشد. مقدار شاخص NFI باید از ۰/۶ بزرگتر باشد و اگر بیش از ۰/۹ باشد خیلی مطلوب است. در نهایت خی‌دو به‌هنگار نیز بهتر است کوچکتر از ۲ یا دست‌کم کوچکتر از ۵ باشد (جیبی و جلال‌نیا، ۱۴۰۱). شاخص‌های ارزیابی برازش مدل اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷- ارزیابی برازش مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی

شاخص	GOF	RMS_theta	SRMR	NFI	خی-دو به‌هنجار
مقدار قابل قبول	۰/۳۶	کوچکتر از ۰/۱۲	کوچکتر از ۰/۰۸	بزرگتر از ۰/۶	کوچکتر از ۲
مقدار برآورد شده	۰/۶۴۳	۰/۰۹۷	۰/۰۵۵	۰/۷۵۷	۱/۴۲۰

در این مطالعه شاخص خی-دو به هنجار ۱/۴۲ (کوچکتر از ۵)، شاخص GOF میزان ۰/۶۴۳ (بزرگتر از ۰/۳۶)، شاخص RMS_theta میزان ۰/۰۹۷ (کوچکتر از ۰/۱۲)، شاخص SRMR میزان ۰/۰۵۵ (کوچکتر از ۰/۰۸) و شاخص NFI میزان ۰/۷۵۷ (بزرگتر از ۰/۶) برآورد شد بنابراین برازش مدل مطلوب است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل اجرایی پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی انجام شده است. براساس مدل پژوهش مشخص گردید عوامل مدیریتی، عوامل فناوری، عوامل فرهنگی و عوامل قانونی بر ذینفعان و بازیگران کلیدی، بستر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها و نهادهای دخیل تأثیر می‌گذارند. در این راستا، یافته‌های پژوهش رحیمی‌مقدم و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد ارکانی نظیر شکل‌دهی گفتمان چند سطحی در سطح حاکمیت؛ لزوم اصلاحات ساختاری؛ انسجام و یکپارچه سازی درون سازمانی؛ توسعه دانش و فرهنگ تأمین اجتماعی و ناب سازی در اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی حائز اهمیتند. همچنین نشان داده شد عوامل مذکور نیز بر دیده‌بانی و پیش‌نگری و تشخیص رویدادها اثر می‌گذارند. در نتایج مطالعه (جکمن و همکاران، ۲۰۲۱) آمده است: "...در یک تعریف گسترده و فراگیر می‌توان سیاست‌گذاری پیش‌نگر را به‌عنوان مجموعه کوشش‌هایی در جهت فهم رویدادهای آینده و سیاست‌گذاری مناسب در مواجهه با پویایی‌های آن در نظر گرفت." در نهایت دستاوردهای پژوهش نشان داد دیده‌بانی و پیش‌نگری و تشخیص رویدادها به اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی، سناریوسازی و کنترل منجر می‌شود. در این راستا، نتایج پژوهش زیاری و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد سیاست اجتماعی نیازمند سناریوی «بهبود کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی» و «کاهش فساد سازمان یافته» است که شکاف بین دولت و ملت را کاهش می‌دهد.

توصیه‌های سیاستی

درخصوص سناریوسازی و کنترل پیشنهاد می‌شود علاوه بر تدوین سناریوهای گوناگون برای شرایط مختلف، جهت داشتن برنامه‌های جایگزین در اجرای سیاست‌ها نیز اقدامات مقتضی را انجام دهند. در این راستا، شناخت و تدوین راهکارهای امکان پذیر و تحلیل انواع آینده ممکن و محتمل مؤثر است. همچنین اندیشیدن پیرامون مسایل مهم و فرایندهای سببی آن‌ها به پیش‌بینی برنامه برای تغییرات احتمالی و ممکن کمک نموده و با استفاده از تجزیه و تحلیل استراتژیک می‌توان به تدوین سیستم کنترل پیشگیرانه و اصلاح کننده و اجرای پیلوت برنامه‌ها دست یافت. تغییر در عوامل درون سازمانی معمولاً به‌خاطر مشکلاتی که سازمان با آنها مواجه می‌شود کلید می‌خورد. در برخی موارد این رهبران روشن فکر هستند که در ابتدا توانایی‌های نهفته سازمان و وضعیت آن را برای تغییر می‌بینند و از آنها برای اعمال تغییرات استفاده می‌کنند. برخی ناظران آن را «حفرة عملکرد» می‌نامند که مدیریت توانای شرکت می‌تواند این حفرة را از بین ببرد. درخصوص عوامل مدیریتی پیشنهاد می‌شود ضمن بررسی نیازها (زمین، تجهیزات، زیرساخت، بودجه و نقدینگی)، به تغییرات بین‌نسلی مانند ظهور نسل Z برای تأمین منابع نیز توجه شود. امروزه در سازمان‌ها با پیشرفت علم و فناوری نیازهای جدیدی در سطوح مختلف احساس می‌گردد. این نیازها در سطوح مدیریتی کارکنان، مشتریان داخلی و خارجی نیز قابل ملاحظه است. هر سازمانی برای ایجاد یک گردش کار مشخص در سطوح مختلف سازمان

قوانین را وضع و اجرا می‌نماید. وضع و اجرای این قوانین همواره با پیامدهای مثبت و یا منفی در این سطوح همراه است که وجود این فاصله باعث ایجاد تعارض در نقش‌ها و اهداف سازمان می‌شود هر کدام از سبک‌های مدیریت تعارض با توجه به شرایط سازمان می‌تواند یکی از شرایط تعارض را تبیین نموده و راهی را جهت بهبود شرایط تعارض در سازمان مطرح نماید. از سویی دیگر تأمین منابع مالی ثابت از دولت و دریافت مطالبات از دولت در اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی حائز اهمیت بوده و با پشتیبانی مدیران و متولیان فرهنگ از اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها امکان غلبه بر چالش‌های محیطی وجود دارد. درخصوص عوامل قانونی پیشنهاد می‌شود مدیران ذریعته ثابت را در مراکز تصمیم‌گیری همچون مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام مستقر نمایند تا در تصمیم‌سازی‌ها به نفع سازمان مشارکت نموده و همچنین از تحمیل با مالی اضافی جلوگیری بعمل آورد و حتی به پی‌گیری تصویب طرح موضوع اختصاص ردیف بودجه ثابت برای توسعه و حمایت اجتماعی قشر آسیب‌پذیر اصرار نمایند. مدیران ذریعته می‌بایستی به سازگاری با اسناد بالادستی و قوانین و مقررات داخلی شفاف در حوزه اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها توجه کافی را مبذول دارند. عدم ابهام و چندگانگی در زمینه قوانین ناظر و عدم ابهام در تعریف اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها حاصل از نظارت کامل بر حسن اجرای قوانین جهت اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی ضروری است. همه قوانین و سیاست‌هایی را که براساس آنها قوانین عادی تدوین می‌شود، اسناد بالا دستی می‌گویند. یکی از مسائل مهم در برنامه ریزی، توجه به اسناد فرادست است. این اسناد، زمینه‌های قانونی اقدامات سازمان را تعریف و تعیین می‌کنند و گاه مسیرهایی را نمایش می‌دهند و با توسل به آنها می‌توان گام‌های مستحکم‌تری را در اصلاح امور برداشت. در این پژوهش نیز کوشش بر این بوده تا اسناد فرادست مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. طبیعی است که هنگام مواجهه با اسناد فرادست کلان و بررسی آنها باید دامنه موضوع بررسی را فراخ‌تر در نظر گرفت و به طور منطقی نمی‌توان انتظار داشت که اسناد سیاست‌گذاری کلان درباره جزئیات موضوعات، بحث‌چندانی مطرح کنند. درخصوص عوامل فرهنگی پیشنهاد می‌شود جهت بهبود حاکمیت جو و فرهنگ آینده‌نگری در سازمان، به ارزش‌ها و باورها پیرامون اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها توجه نمایند. اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی با پذیرش حرکت به سوی اجرای آن قطعیت یافته و عدم مقاومت کارکنان تأمین اجتماعی در برابر اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها امری تسهیل‌کننده محسوب می‌شود. تدوین همچنین برنامه‌های فرهنگی برای آمادگی اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها جهت استقرار فرهنگ مناسب در سازمان نیز حائز اهمیت است. درخصوص عوامل فناوری پیشنهاد می‌شود ضمن توجه به وجود نیروی انسانی متخصص در زمینه اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها، به‌کارگیری دانش روز برای حضور در اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها نیز اقدام شود. اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی مستلزم تأمین سخت‌افزارها و تجهیزات فناوری مناسب، نرم‌افزارهای جدید و به‌روز برای حضور در اجرای پیش‌نگر سیاست‌ها بوده و به‌کارگیری استانداردهای جهانی فناوریانه سبب تسهیل در حصول اهداف مدون آن خواهد شد. همان‌طور که انسان از استعداد و توان یادگیری برخوردار است و می‌تواند از طریق انجام فعالیت‌های مؤثر و کشف و اصلاح اشتباهات خود یاد بگیرد، سازمان‌ها نیز از چنین تواناییهای برخوردارند. ازاین رو پیشرفت سریع و وسیع فناوری اطلاعات در عصر حاضر و رقابت‌های آشکار و پنهان روز افزون در دنیا، اهمیت و ضرورت یادگیری سازمانی و توانمندسازی روانشناختی را دو چندان نموده است. سازمانهای بزرگ با ساختارهای سنتی توان و انعطاف لازم جهت همسویی با تغییرات محیط پیرامونی بویژه با توجه به مسایل جهانی شدن را ندارند و برای بقای خود ناچارند یا تغییر ساختار دهند یا خود را به ابزارهایی مجهز کنند تا توان مقابله با تغییرات جهانی را به دست آورند. درخصوص ذینفعان و بازیگران کلیدی پیشنهاد می‌شود با تشویق مشارکت در میان اصناف و گروه‌های کاری، مغازه داران و کارخانه داران، در تصمیم‌گیران و مدیران عالی و کمیسیون‌های تخصصی تأثیرگذار باشند. در این میان، اثرگذاری مثبت نقش مدیران اجرایی، مردم و مراجعین و مدیران اجرایی ستاد و صف سازمان غیرقابل انکار بوده و نیاز به حمایت همه‌جانبه از سوی آنها وجود دارد. حمایت سازمانی ادراک شده مفهوم بسیار مهم در ادبیات مدیریت است زیرا این مفهوم می‌تواند رابطه مابین نحوه برخورد سازمان با کارمندان و نگاه و رفتار کارمندان نسبت به شغلشان و سازمان را توضیح دهد. میزان حمایت سازمانی ادراک شده توسط کارمندان بیانگر احساس درونی کارکنان در رابطه با مراقبت و توجه سازمان است. کارمندانی که احساس

کنند از طرف سازمان به خوبی حمایت می‌شوند، همواره فکر می‌کنند در شرایط احساس نیاز به پشتیبانی برای کار یا زندگی، سازمان متبوعشان به موقع و به خوبی از آنها حمایت خواهد کرد. اشکال مختلف حمایت سازمانی، کارمندان را تشویق می‌کند که به صورت خودکار کارها را مدیریت و رهبری نمایند و این در نهایت باعث افزایش بهره‌وری سازمانی خواهد شد. درخصوص نهادهای دخیل پیشنهاد می‌شود با ایجاد مشارکت از سوی وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو در حوزه قانونگذاری و نظارتی، برخی چالش‌های مربوط به حوزه سلامت و درمان را از این طریق حل نمایند. اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی نیاز به همکاری با وزارت کار در بحث نظارتی و قانونگذاری و البته وزارت صمت در بحث خرید لوازم تولید داخل تجهیزات پزشکی و آمبولانس دارد. همچنین مشارکت قوه قضاییه در بحث حقوق و قانون به همراه کانون بازنشستگان خانه کارگری در بحث نظارتی و بازرسی‌ها نیز در بهبود اجرای پیش‌نگر سیاست‌های تأمین اجتماعی اثرگذارند.

References

1. Alvani, M. (2023), Decision-making and determination of government policy. Tehran: Samt [in persian].
2. Alvani, M., Sharifzadeh, F. (1998), Policy-making process, Tehran: Allame Tabatabaee university [in persian].
3. Attride-Stirling, J. (2001), Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), pp: 385-405.
4. Azar, A., Gholamzadeh, R. (2020), Partial least squares, Tehran: Negah danesh [in persian].
5. Bayati, A., Giuki, A., Moennodin, J., Anjomshoaa, Z., Nikpour, A. (2024), Model for implementing public policies with a social and ethical responsibility approach in order to reform the administrative system, *Athics in science and technology*, pp: 115-109, (70)19 [in persian].
6. Janbazi, M., Ranjbar, M., Mohammadzadeh, Ch. (2023), A review forward-looking health system policymaking, *Clinical excellence*. 13(1), pp: 98-110 [in persian].
7. Chin, W. W. (1998), The partial least squares approach to structural equation modeling. *Modern methods for business research*, 295(2), pp: 295-33.
8. Cohen, J. E. (2013), *Statistical Power Analysis for the Behavioral Sciences*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
9. Gholipoor, R. (2021), *Organizational decision-making and public policy-making*, Tehran: Samt Publications [in persian].
10. Habibi, H., Javan ali azar, M. (2023), Public policy and the social construction of reality. Tehran: Emam sadegh publications [in persian].
11. Hirvilammii, T., Häikiö, L., Johansson, H., Koch, M., & Perkiö, J. (2023), Social policy in a climate emergency context: Towards an ecosocial research agenda. *Journal of Social Policy*, 52(1), 1-23.
12. Howlett, M. (2019), *Designing public policies: Principles and instruments*, Abingdon, Oxon ; New York, NY : Routledge, Taylor & Francis Group.
13. Hughes, T., Bechtler, M., Cruz-Szabo, G., Hafner, L., Ortiz, L., Piel, K., & Robbins, T. (2020), Could Proactive Local Policy Improve Principals' Building-Level Leadership of Special Education Services?. *eJEP: eJournal of Education Policy*, 21(2), n2.
14. Jakeman, A., Razavi, S., Saltelli, A., Prieur, C., Iooss, B., & Maier, H. R. (2021), The future of sensitivity analysis: an essential discipline for systems modeling and policy support. *Environmental Modelling & Software*, 137, 104954.
15. Jalonen, H. (2024), A complexity theory perspective on politico-administrative systems: Insights from a systematic literature review, *International Public Management Journal*.
16. Jenkins, W. I. (1978), *Policy Analysis: A Political and Organizational Perspective*. London: Martin Robertson.
17. Jensen, S. H., Aguinis, H., Kraus, S. (2022), Policy implications of organizational behavior and human resource management research. *Academy of Management Perspectives*, 36(3), 857-878.
18. Jones, K., Brown, J., Bradshaw, J. (2023), *Issues in social policy*. Taylor & Francis.
19. Keshvarian azad, R., Etebarian, A., Mehraban, H., Shahnoshi, M. (2022), Designing a model for implementing judicial policies in the country's judicial institution, *Public Administration*. 14(1), 129-164 [in persian].
20. Koch, M. (2022), Social policy without growth: Moving towards sustainable welfare states. *Social Policy and Society*, 21(3), 447-459.
21. Lasswell, H. D. (1972), Communications research and public policy. *Public Opinion Quarterly*, 36(3), 301-310.
22. Lasswell, H. D., McDougal, M. S., & Reisman, W. M. (1972), The intelligence function and world public order. *Temp. LQ*, 46, 365.
23. Lister, R., Patrick, R., Brown, K. (2024), *Understanding theories and concepts in social policy*. Policy Press.
24. Maleki, T., Parizad, R., Heydarpoor, M. (2021), Government policymaking in the field of social security in post-revolutionary Iran based on the partial-gradual model. *Islamic Revolution Approach*. 14(51), 257-278 [in persian].
25. Manna, P., & Moffitt, S. L. (2019), Traceable Tasks and Complex Policies: When Politics Matter for Policy Implementation. *Policy Studies Journal*.
26. Mazmanian, D. A., Sabatier, P. A. (1983), *Effective Policy Implementation*. Lexington, MA: Lexington Books.
27. Miller, E., Cross, L., Lopez, M. (2010), Sampling in qualitative research. *FBF research group*, 19(3), 249-261.
28. Moghimi, S. M., Gharabaghi, M., Latifi, M. (2021), Metasynthesis of Public Policy Implementation Studies in Iran. *Public Policy Quarterly*. Volume 7. Issue 3. Pages 243-260 [in persian].
29. Pressman Jeffrey L., Wildavsky, Aaron B. (1984), *Implementation How great expectations in Washington are dashed in Oakland*. 3rd ed. (Oakland Project series).
30. Rahimi moghaddam, F., Amiri, M., Safari, H., Khosh chehre, M. (2022), Policy implementation in the public policy-making process in the field of welfare and social security; Introducing an applied model, 5th International Conference on Management, Accounting, Banking and Economics of Iran, Mashhad [in persian].
31. Rahimi moghaddam, F., Amiri, M., Safari, H., Khosh chehre, M. (2021), An analysis of the implementation of social security policies in the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge*. Year 10, Issue 20. Pages 199-224 [in persian].

32. Sadeghi.H.(2022), Investigating the impact of culture on public policy-making in Iran. New Research Approaches in Management and Accounting, 6(84)2102-2112 [in persian].
33. Sarukhani,B.,Gilan.O.,Seyedmirzae,Sm.(2022),Investigating the Perspective of the Social Security Organization with a Futures Research Approach. Journal of Social Work Research, 8(30), 1-30 [in persian].
34. Shariyari mazraeshhi,A., Shahnushi,M., Rashidpoor,A.(2022), Designing a model for evaluating social security policies with a public participation approach using a data-based method. Research and New Theories of Public Administration. 1(4), pp:74-60 [in persian].
35. Van Dorsser, C., Walker, W. E., Taneja, P., & Marchau, V. A. W. J. (2018), Improving the link between the futures field and policymaking. Futures, 104, pp:75-84.
36. Van Meter, D., Van Horn, C. (1975), The Policy Implementation Process. Administration and Society, 6 (4): 445-488.
37. Varaste menshadi,M. (2023), Investigating the antecedents and consequences of non-face-to-face services of the National Social Security Organization using a mixed exploratory approach. Social Security. 19(2), pp:101-122 [in persian].
38. Ziyari,R., Moghimi,Z., Hajilo,V., Shahabinezad,M.(2024), Identifying effective policies to reduce the state-nation gap with a systems dynamics approach. Majlis and Strategy, 3(12), pp:696-712.